

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

### برگزاری سومین جلسه دبیرخانه آموزش و آگاهی از خطرات مین

سومین جلسه دبیرخانه آموزش و آگاهی از خطرات مین و مهمات منفجره به میزبانی سازمان امداد و نجات و با حضور نمایندگان از مرکز مین زدایی کشور، سازمان بهزیستی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان امداد و نجات برگزار شد. در این جلسه که با حضور دکتر ثوابی، معاون برنامه‌ریزی و آموزش‌های تخصصی سازمان امداد و نجات برگزار شد، به تشریح و پیگیری برخی از اهداف این دبیرخانه پرداخته شد. یکسازمان منابع آموزشی و کمک آموزشی، استفاده از تجربیات دستگاه‌های همکار و داشتن یک دستورالعمل جامع و مشترک از مسائل و اهداف قابل پیگیری این دبیرخانه به شمار می‌رود. در پایان این جلسه معاون برنامه‌ریزی و آموزش‌های تخصصی سازمان امداد و نجات ابراز امیدواری کرد تا با آموزش و ارتقای سطح آگاهی مردم نسبت به خطرات مین و مهمات منفجره در آینده‌ای نزدیک شاهد اتفاقات ناخوشایند ناشی از خطرات و تهدیدهای مین در کشور نباشیم.

# وقتی همه بچه‌های پایگاه اشک شوق ریختند

## زوج هلال احمری با به پای هم گوش به زنگ کمک داوطلبانه هستند

به فعالیت‌های داوطلبانه اعتبار دارند. خودشان می‌گویند وقتی در کار داوطلبانه ای شرکت می‌کنیم در واقع در حال کمک به خودمان هستیم. زندگی زوج هلال احمری خراسان رضوی با فعالیت در جمعیت گره خورده است و سال‌هاست سایر اعضای خانواده هم درگیر این فعالیت‌ها شده‌اند. از حضور در مراسم راهپیمایی اربعین برای خدمات‌رسانی به زائران گرفته تا جمع‌آوری کمک‌های مردمی و نیازمند. «ابوالفضل باقری» و همسرش «مرضیه سیدی» به عنوان نجات‌گر در پایگاه‌های هلال احمر استان فعالیت می‌کنند. شنیدن قصه ورودشان به هلال احمر و آشنایی آنها با یکدیگر هم خالی از لطف نیست.

### قصه آشنایی

از مشهورترین تریب‌های حیدر به شده بود که حادثه ای ترافیکی باگیرشان کرد. تصادف کرده بودند و ابوالفضل باقری مثل دیگر افرادی که در خودرو حضور داشتند، زخمی شده و آسیب زیادی دیده بود. اولین کسی که بالای سرش آمده بود را به خاطر دارد: نجات‌گری از تیم امداد جاده ای هلال احمر با آن لباس سرخ و سفید و آرم آشنا. ۱۱ سال پیش بود. بعد از گذراندن دوره درمان، تصمیم گرفته بود خودش را به جمع داوطلبان هلال احمر برساند. اولین انگیزه اش آموزش کمک‌های اولیه و امداد و نجات بود تا اگر دوباره شاهد بروز حادثه ای بود، بتواند اقدامات لازم اولیه را انجام دهد. دوره‌های اولیه را که گذرانده بود، تصمیم گرفت وارد سازمان امداد و نجات شود. سال ۸۹ بود که فعالیت رسمی خود در سازمان امداد و نجات را آغاز کرد و از آن روز تاکنون، در جاده مشهد نیشابور به عنوان نجات‌گر جاده فعالیت می‌کند. باقری می‌گوید: «کار داوطلبانه در هلال احمر چیزی به جز عشق و علاقه و کمک به هم‌نوعان نیست و در چنین فضایی کار کردن کار هر کسی نیست. از سالی که وارد جمعیت شدم و فعالیت خودم را آغاز کردم، همه اطرافیان و دوستانم را به عضویت در هلال احمر دعوت کرده‌ام. با آن کسانی که به هر دلیلی توان حضور مستمر در این جمعیت را ندارند خواسته‌ام حداقل در دوره‌های امداد و نجات و آموزش کمک‌های اولیه شرکت کنند تا اگر روزی در شرایط اضطراری قرار گرفتند بتوانند خود و دیگران را نجات دهند. برادرم و تعدادی از بهترین دوستانم را وارد جمعیت کرده‌ام. برادرم و چند نفر از دوستانم آنقدر به فعالیت‌های جمعیت علاقه مند هستند که حالا به همراه من در تیم امداد جاده ای فعالیت می‌کنند.»

### داوطلبی

زوج سرخ پوش کرمانشاهی، امید را در دل زلزله زدگان زنده نگه داشتند

### خانه من، وطن من



کانون دانشجویی هلال احمر کرمانشاه اولین آشنایی «پوریا کاملی» و همسرش «مرجان باشنا» را رقم زد و سال‌هاست جمعیت هلال احمر کرمانشاه شاهد فعالیت‌های این زوج در کنار یکدیگر است. پوریا کاملی از سال ۸۸ وارد جمعیت شده. او یکی از اعضای فعال استان کرمانشاه است که فعالیت‌هایی مثل عضویت در تیم واکنش سریع، امداد کوهستان، امداد جاده و... را در کارنامه خود دارد.

کاملی به عنوان اولین عکاسی که بعد از زلزله کرمانشاه به سرپل ذهاب رسید می‌گوید: «درست بعد از اینکه کرمانشاه لرزد، من و همسرم تصمیم گرفتیم به عنوان نیروی داوطلب هلال احمر خود را به پایگاه هلال احمر برسانیم و منتظر نشدیم تا کسی به ما خبر بدهد. همسرم در بخش انبار تجهیزات هلال احمر مشغول به فعالیت شد و من به عنوان عکاس به سرپل اعزام شدم. بعد از چند ساعت عکاسی دیدم شدت حادثه به قدری زیاد است که باید به دوستانم در هلال احمر کمک کنم و برای همی دوربین را کنار گذاشتم و مشغول امداد رسانی شدم. اختلال در شبکه مخابرات زیاد بود و امکان صحبت با اعضای خانواده وجود نداشت. دلخوشی من این بود که همسرم عضو هلال احمر است و با فعالیت در شرایط اضطراری آشنایی دارد. برای همین هم خودش می‌داند باید چه کند و هم می‌تواند اعضای خانواده را آرام کند. روزهای سخت بعد از زلزله با این دلخوشی گذشت که او هم در بخش دیگری از جمعیت مشغول به کار است. بخش اینکه می‌توانیم در جایی که به کمک‌مان نیاز است مفید باشیم، حس خوبی به ما می‌داد و انگیزه ما را به ادامه تلاش بیشتر می‌کرد.»

«مرجان باشنا» که در رشته گرافیک تحصیل کرده، ۵ سالی است که عضو جمعیت هلال احمر شده است. ابتکارش در زلزله کرمانشاه را اغلب روستائیان زلزله زده هنوز در خاطر دارند. او می‌گوید: «بعد از زلزله به این فکر اقدام بنه‌های گرافیکی طراحی و در آن از جمله‌های امیدبخشی برای مردم زلزله زده استفاده کنم. روابط عمومی جمعیت کرمانشاه هم از این ایده استقبال و کمک کرد تا ما بنه‌هایمان را چاپ و در روستاها نصب کنیم.»

«تا دوباره سه‌هفته آرامش شود با شما می‌کنیم» «کنارتان می‌مانم تا راهی خانه هایتان شوید» این‌ها جمله‌هایی بود که روی این بنه‌ها می‌نوشتیم و می‌دیدیم که مردم با دیدن این پیام‌ها دلگرم می‌شدند و لبخند روی لب هایشان می‌نشست. افرادی که سواد نداشتند از بنه‌ها می‌خواستند که این جمله‌ها را برایشان بخوانند. مردم روستاهای زلزله زده در مدت حضور بنه‌های هلال احمر در کنارشان، حسایی به آنها عادت کرده بودند. این مردم و اعضای جمعیت در این یک سال یکدیگر را نه تنها هم وطن، بلکه عضوی از خانواده خود می‌دانستند. بعد از زلزله کرمانشاه افراد زیادی خانواده خود را از دست دادند. مردی در سرپل ذهاب بود که همسر باردار و یکی از فرزندانش زیر آوار مانده بود و هیچ‌کدام از کمک‌های هلال احمر را قبول نمی‌کرد. افسردگی این فرد آنقدر شدید بود که حتی حاضر به زندگی در جادر هم نبود. اما اعضای تیم سحر با حمایت‌های خود توانستند این فرد را به زندگی برگردانند. ما از نزدیک شاهد این بودیم که مشاوره و روان‌شناسی این تیم‌ها در جریان زلزله کرمانشاه امید به زندگی را دوباره در روحیه بسیاری از مردم زنده کرد.»



### یک فنجان آرامش

حضور مستمر در جاده‌های مشهد، باعث شده تا خاطرات تلخ و شیرین بسیاری از امداد رسانی‌ها در ذهنش به جا بماند. کارش را خدمات‌رسانی به زائران امام رضا (ع) می‌داند که شیرینی حضورش در امداد جاده ای مشهد را دوچندان می‌کند. باقری می‌گوید: «پایگاه ما در ۳۵ کیلومتر جاده مشهد نیشابور قرار دارد. در این جاده تصادفات زنجیره ای و حوادث جاده ای زیادی رخ می‌دهد. دلیلش هم این است که به مشهد نزدیک است و مسافرانی که از راه دور به سمت مشهد می‌آیند، با وجود خستگی و خواب‌آلودگی می‌خواهند مسیر کوتاه باقی مانده را هم طی کنند و زودتر خود را به مشهد برسانند. برای همین به وفور شاهد بروز تصادف‌های زیادی در این جاده هستیم.» خستگی وقتی از تنش بیرون می‌رود که حادثه ای ختم به خیر شود و به همراه اعضای تیم امداد و نجات بتوانند جان مردم را نجات بدهند: «۲ سال پیش بود که کودکی بدون اطلاع خانواده اش مقداری قرص مصرف کرده بود و وقتی او را به پایگاه آوردند اورژانس کرده بود. کودک سطح هوشیاری خیلی پایینی داشت و ما تلاش زیادی برای بازگرداندن هوشیاری او انجام دادیم. اضطراب آن روز هنوز از خاطر بچه‌های پایگاه نرفته است. در مسیر انتقال کودک به بیمارستان، همه در تلاطم بودیم. روحیه کار تیمی و آموزش‌هایی که دیده بودیم به دادمان رسید و خوشبختانه آن کودک زنده ماند. چند روز بعد پدر و مادر کودک برای تشکر پیش ما آمدند. آن روز همه بچه‌ها در پایگاه اشک شوق می‌ریختند.» آرامشی که نجات جان دیگران به او می‌دهد را با هیچ خوشی دیگری تقسیم نمی‌کند و یکی از بزرگ‌ترین دلخوشی‌هایش، همکاری همسرش با جمعیت هلال احمر به عنوان یک عضو داوطلب است: «برای کسی مثل من که دلپستگی به فعالیت‌های جمعیت دارد خیلی خوشحال کننده است که همسرم هم در گوشه‌ای از این جمعیت مشغول کار داوطلبانه باشد.»

### در کنار خانواده، در دل جمعیت

«پیشنهاد عضویت در هلال احمر را همسرم به من داد. از سال ۹۰ عضو شدم. از زمان آشنایی‌مان می‌دیدم که اولین پیشنهادش به هر دوست و آشنایی، عضویت در هلال احمر است. بیشتر از هر چیزی در خانه، صحبت از جمعیت است و مشارکت در کار داوطلبانه. وقتی دوستان و آشنایان هم می‌فهمند که ما هر دو با هم در جمعیت کار داوطلبانه انجام می‌دهیم بیشتر از پیش به شناخت و مشارکت در برنامه‌های هلال احمر علاقه مند می‌شوند.» «مرضیه سیدی» پرستار است و عضو داوطلب هلال احمر. خاطرات مشترک او با همسرش ابوالفضل باقری، به طرح‌هایی مثل همسفران خورشید و حضور در مراسم پیاده‌روی اربعین برمی‌گردد و شیرینی‌اش آنقدر به دهانشان مزه کرده که اگر در آینده صاحب فرزندی شوند، قصد دارند او را هم جذب جمعیت کنند. سیدی می‌گوید: «تمام اعضای خانواده‌مان به نوعی درگیر فعالیت‌های مختلف هلال احمر شده‌اند. گرچه ممکن است تعدادی از آنها عضو هلال احمر نباشند اما در فعالیت‌های خیرخواهانه آن مشارکت زیادی دارند. کفایت در جمع‌انگاری اعلام کنیم که برای فلان نیازمندی خواهیم چیزیه آماده کنیم؛ همه در تأمین هزینه‌هایش شریک می‌شوند. یکی از برنامه‌هایی که همه اعضای خانواده همراه هم در آن حضور دارند، طرح میزبانی از زائرانی است که برای اولین بار به مشهد می‌آیند و یا افرادی بضعاعتی که آرزوی زیارت امام رضا (ع) را در سر دارند. در این طرح همه داوطلبان کمک می‌کنند که این افراد سفر یک روزه‌ای به مشهد داشته باشند. افطار را مهمان امام رضا (ع) هستند و سحر را مهمان خیریه‌ای به نام «راهیان نور آسمان هشتم».

نیروهای داوطلب در این طرح به سالمندان و افراد معلول کمک می‌کنند و در مدتی که زائران در مشهد هستند به آنها خدمات‌رسانی می‌کنند.»

